

چکیده

است که و [محمد توحیدی](#) مبانی مالی اسلامی، کتاب مشترک [سید عباس موسویان](#) اهداف، اصول و عناصر نظام مالی اسلامی را از منظر الهی و اقتصادی تبیین کرده و نگرش‌های مختلف به آن را مطرح می‌کند و سپس به مقبولیت نظام مالی اسلامی می‌پردازد. همچنین ارکان نظام مالی اسلامی و یکپارچگی آنها را در بازارهای مختلف مالی پولی و سرمایه‌ای روشن می‌سازد.

کتاب برای ارزیابی ابزارها و محصولات مالی اسلامی، قبل از مبانی و اصول فقهی، چارچوب‌ها و مؤلفه‌های مهم عملیاتی (مانند نظارت شرعی، مسائل حسابداری، مالیاتی را معرفی می‌کند و و حقوقی)، آثار اقتصادی و مدیریت ریسک در [ابزارهای مالی اسلامی](#) شرح می‌دهد. در ارزیابی فقهی ابزارهای مالی، ابتدا اصول و ضوابط عمومی قراردادهای اسلامی (مانند اصل صحت و لزوم و ممنوعیت ربا و قمار) و سپس ضوابط اختصاصی فقهی را در قالب تعریف و ارکان چهارده قرارداد و ابزار مالی اسلامی به میان می‌آورد و در پایان نیز ابزارهای مالی اسلامی را با اصول و معیارهای اقتصادی در دو سطح اقتصاد خرد (مانند نقدشوندگی و اثربخشی) و کلان (مانند عدالت اقتصادی، تأمین مالی بخش عمومی و سیاست پولی) می‌سنجد.

معرفی و ساختار کتاب

مبانی مالی اسلامی، اثر مشترک سید عباس موسویان (فقیه اقتصاددان) و محمد توحیدی دانشیار [دانشگاه امام صادق \(ع\)](#)، با حمایت سازمان سَمَت، شورای عالی انقلاب فرهنگی و [پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی](#)، به عنوان منبع اصلی درس دو واحدی «فقه و حقوق بازارهای مالی» در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های اقتصاد، حسابداری، مدیریت مالی و عموم پژوهشگران تألیف و منتشر شده است. اقبال و افزایش مسلمانان برای سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی و نیز فعالیت دولت‌های اسلامی در بازار سرمایه و بحران‌های مالی در چند دهه اخیر، نیاز به تبیین مبانی و نظام مالی اسلامی را ضروری کرده و همین موضوع، دلیل نگارش و نشر این کتاب مطرح شده است.

در شش فصل این کتاب، ابتدا اصول و ارکان نظام مالی اسلامی (فصل اول و دوم) سپس چارچوب ارزیابی ابزارهای مالی (فصل سوم) و آنگاه اصول و ضوابط عمومی و اختصاصی ارزیابی فقهی ابزارهای مالی (فصل چهار و پنج) بررسی شده و در فصل ششم نیز اصول و معیارهای اقتصادی ارزیابی این ابزارها در دو سطح خرد و کلان آمده است.

حجم مباحث فقهی کتاب در دو فصل چهارم و پنجم، نیمی از کتاب را به خود اختصاص داده است که شامل اصول و ضوابط فقهی قراردادهاست: دو اصل صحت و لزوم عقود، ممنوعیت اکل مال به باطل، ضرر و ضرار، غرر، ربا، قمار (در فصل چهارم)، تعریف، ارکان و طبقه‌بندی قراردادهای و معرفی و تبیین عقود اسلامی شامل قرض، وقف، اجاره، بیع، جعالة، استنصاع، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، وکالت، ضمانت و حواله (در فصل پنجم).

اهداف عالی و میانی دو نظام اقتصادی و نظام مالی اسلام

نظام مالی اسلامی از نظر نویسندگان کتاب، مجموعه‌ای نظام‌مند از بازارها، نهادها و ابزارهای اسلامی است که به دنبال تحقق هدف غایی «نظام اسلامی» یعنی سعادت فرد و جامعه و هدف عالی «نظام اقتصادی اسلامی» یعنی ایجاد رفاه عمومی است (ص ۵). نویسندگان کتاب برای تحقق هدف اصلی نظام اقتصادی اسلامی، سه هدف میانی تعریف کرده‌اند: عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی و رشد و پیشرفت اقتصادی. همچنین نظام اقتصادی اسلام زیرمجموعه‌هایی دارد که «نظام مالی اسلامی» یکی از آنهاست که دو هدف اصلی و مهم در آن وجود دارد: تأمین مالی و پوشش ریسک (ص ۶-۸).

در نظام مالی اسلام نیز بازارها، ابزارها، نهادها و قوانین مالی وجود دارند اما نکته مهم این است که این ارکان و اجزای مختلف نظام مالی اسلام باید طوری طراحی و اجرا گردند که در تحقق اهداف اصلی نظام مالی (تأمین مالی و پوشش ریسک) و نظام اقتصادی (عدالت، امنیت و رشد اقتصادی) کارایی و اثربخشی لازم را داشته باشند (ص ۹).

نویسندگان برای نظام مالی اسلام نیز چهار هدف میانی در نظر گرفته‌اند: ۱. ارتقای شفافیت اطلاعاتی و معاملاتی، ۲. افزایش کارایی تخصیصی، عملیاتی و اطلاعاتی، ۳. ایجاد ثبات مالی و مقاومت در برابر شوک‌های اقتصادی، ۴. هدایت صحیح نقدینگی به سمت فعالیتهای مولد اقتصادی (ص ۱۰).

مبانی و عناصر نظام اقتصادی و نظام مالی اسلام

در کتاب مبانی مالی اسلامی، چهار عنصر برای شالوده نظام اقتصادی اسلام و خرده‌نظام‌های وابسته به آن مثل نظام مالی اسلام در نظر گرفته شده است:

مبانی بینشی و اعتقادی اسلامی شامل جهان‌بینی‌های زیربنایی اسلام درباره خدا، هستی، انسان و جامعه

سنت‌های الهی مثبت و منفی حاکم بر جوامع انسانی مبتنی بر سعادت و تقرب به خدا یا شقاوت و دوری از او

اخلاق اقتصادی برای کمک به اهداف کلان نظام اقتصادی اسلامی به شکل ضمانت درونی (بیرون از دولت) با کارکردها و نتایجی چون رفع فقر، پیشرفت، امنیت و عدالت اقتصادی.

در کنار اخلاق اقتصادی، فقه اقتصادی حضور دارد که یکی از شاخه‌های فقه اقتصادی علم فقه است.

مقصود از فقه اقتصادی، احکام اموال و روابط وابسته به آن در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف است که شامل احکام تکلیفی و الزامی (مانند حرمت ربا، اسراف و قمار) یا احکام وضعی منتج به احکام تکلیفی مانند انتقال مالکیت و حق تصرف در ثمن و مبیع می‌شود. بنابراین موضوع «نظام اقتصاد اسلامی» تبیین و ترسیم رفتار اقتصادی مطلوب (مانند طراحی بازار اسلامی مطلوب) است و موضوع «فقه اقتصادی»، استنباط حکم تکلیفی یا وضعی در رفتارها و روابط مالی و اقتصادی است (ص ۱۲-۲۰).

نگرش نظام‌سازانه یا امضامحور به نظام مالی اسلام

مؤلفان کتاب دو رویکرد اصلی را در «نگرش‌های مختلف به نظام مالی اسلامی» طرح و بررسی کرده‌اند:

نگرش نظام‌سازی به نظام مالی اسلامی بر پایه عناصر ثابت نظام اقتصادی اسلام و انتخابی از تجربه بشری که با عناصر [\(احکام امضایی\)](#) و عناصر متغیر [\(احکام تأسیسی\)](#) ثابت سازگار هستند یا می‌توان آنها را سازگار ساخت (مانند بازارها، قوانین، قراردادهای، نهادها، ابزارها، محصولات و الگوهای مالی).

نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی و رویکرد صرفاً امضایی در برابر معاملات و روابط مالی و صدور احکام حرمت و بطلان یا حلیت و تأیید

در مقایسه این دو دیدگاه، در نگرش نظام‌سازی که ترجیح مؤلفان است، نظام مالی اسلامی باید در راستای تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلامی حرکت کند و عناصر متغیرش نیز علاوه بر سازگاری با موازین فقهی، باید با عناصر ثابت نظام اقتصادی سازگاری داشته باشند (ص ۲۱).

به نظر نویسندگان کتاب، نظام مالی اسلامی ویژگی‌ها و مشخصه‌هایی دارد که باعث افزایش ثبات مالی، تاب‌آوری و پایداری نظام مالی اسلامی در شرایط بحرانی نسبت دیگر نظام‌های متعارف می‌گردد: ۱) ارتباط تنگاتنگ بخش مالی با بخش واقعی اقتصاد، ۲) روابط و مناسبات عادلانه در نظام مالی اسلامی، ۳) آزادی ارکان و اجزای نظام مالی (اسلام در چارچوب مشخص (ص ۲۲).

به اذعان نویسندگان، آنچه امروز در صنعت مالی اسلامی در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی دیده می‌شود بیشتر ناظر به نگرش فقهی به نظام مالی اسلامی است، اما مقبولیت نظام مالی اسلامی و آمار و ارقام جهانی صنعت مالی اسلامی، چشم‌انداز روشن و رو به رشدی را نشان می‌دهد و نقش و فعالیت دولت‌های کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نیز در این زمین بیشتر و مؤثرتر شده است (ص ۲۶).

ارکان نظام مالی اسلامی و یکپارچگی آنها

هر نظام مالی به دنبال ایجاد جریان مازاد منابع مالی خانوارها، شرکت‌ها و دولت‌ها به سمت آنهایی است که برای سرمایه‌گذاری مولد کمبود منابع دارند. نظام مالی اسلامی نیز مستثنی نیست و در درون خودش سه رکن بازار، نهاد و ابزار مالی را دارد و یکپارچگی میان آنها را حفظ می‌کند.

تقسیم‌بندی مختلفی وجود دارد؛ مانند: ۱. بازارهای مبتنی برای [بازارهای مالی اسلامی](#) بر بدهی و مالکیت، ۲. بازار اولیه و ثانویه، ۳. بازار پول و سرمایه. مؤلفان کتاب، با اشاره به نظر برخی از صاحب‌نظران که با حفظ بهره، بازار پول اسلامی وجود ندارد و آنچه هست را عملی می‌دانند و [سرمایه اسلامی](#) بازار سرمایه است (ص ۳۳)، دو [بازار پول اسلامی](#) آن را تبیین می‌کنند. آنها در یک تقسیم‌بندی از بازار سرمایه اسلامی، بازارهای سهام را توضیح می‌دهند (ص ۳۹) و سپس [بازار مشتقات اسلامی](#) اسلامی، [بازار صکوک](#)

سراغ نهادها از جمله بانک‌ها، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین مالی اسلامی اشاره می‌کنند که فرآیند واسطه‌گری را از طریق ابزارهایی چون سپرده‌گیری و تخصیص منابع (تسهیلات) انجام می‌دهند. ابزارهای مالی اسلامی نیز در دو حوزه بازار پول و سرمایه کارایی دارند. نویسندگان در نهایت مدعی یکپارچگی نظام مالی اسلامی و رابطه دو طرفه نهادها و بازارهای مالی اسلامی هستند (ص ۴۳-۴۶)

چارچوب‌ها و الزامات طراحی ابزارها و محصولات مالی اسلامی

رهیافت‌های موجود در طراحی ابزارها و محصولات مالی اسلامی غالباً به جنبه‌های فقهی ابزارهای مالی می‌پردازند. نویسندگان کتاب این رویافت‌ها را در چهار دسته گنجانده‌اند: (۱) تطبیق با موازین شریعت، (۲) تطبیق با فقه امامیه، (۳) طراحی ابزارهای مالی اسلامی برای جایگزینی با ابزارهای متعارف، و (۴) طراحی ابزارهای مالی اسلامی. (جدید (ص ۴۸).

از نظر نویسندگان چالش اصلی رویافت نخست که سابقه‌ای طولانی نیز دارد روش استفاده درست در تعیین جواز یا عدم جواز فقهی آن ابزار است. زیرا هر سه راهی که برای تعیین جواز یا عدم جواز طی می‌شود با مشکلاتی مواجه است. این سه راه عبارتند از: (۱) شیوه استنباط فقهی (اجتهادی، ۲) شیوه تحلیلی حقوقی بدون اتکا به نظرات فقهی، و (۳) شیوه استفتا از مراجع تقلید که با مشکل اختلاف فتاوا روبه‌رو می‌شود ((ص ۴۹).

موسویان و توحیدی در موضوع طراحی ابزار مالی اسلامی جدید، الزامات آن را در هشت دسته قرار داده‌اند:

نظارت شرعی مناسب، (۲) فرایندها و محدودیت‌های عملیاتی، (۳) مسایل حسابداری (۱) و مالیاتی، (۴) مسایل حقوقی و مقرراتی، (۵) توجه به اهداف و کارکردها، (۶) توجه به دیدگاه مشهور فقهی، (۷) آثار اقتصاد خرد و کلان، (۸) مدیریت ریسک.

مشروعیت و مقبولیت بین‌المللی ابزارهای مالی اسلامی

نظارت شرعی را اقدامات احتیاطی و نظارتی به منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بازارهای مالی با اصول و قوانین شریعت اسلام دانسته‌اند (ص ۵۲). موسویان و توحیدی، الگوها و تجربه‌های نظارت شرعی در بازارهای مالی در کشورهای اسلامی و غیراسلامی را در سه رویکرد حداقلی (مانند عربستان)، حداکثری (مانند مالزی، اندونز، بحرین و امارات) و میانی (کویت و قطر) طبقه‌بندی کرده‌اند (ص ۵۲).

نظارت شرعی در بازارهای مالی ایران به صورت متمرکز صورت می‌گیرد. در بازار سرمایه، کمیته تخصصی فقهی در سازمان بورس و اوراق بهادار (از ۱۳۸۶ش) با عضویت پنج فقیه صاحب نظر در بازار سرمایه، یک متخصص مالی، یک حقوق‌دان و یک اقتصاددان بازار سرمایه قرار دارد. در بانک مرکزی نیز شورای فقهی وجود دارد با ترکیب پنج فقیه متجرب فقه معاملات و مسائل پولی و بانکی، رییس یا معاون نظارتی بانک مرکزی، یک حقوق‌دان و یک اقتصاددان (هر دو با معرفی رییس کل بانک مرکزی)، یک نماینده مجلس شورای

اسلامی (عضو ناظر) و یکی از مدیران عامل بانک‌های دولتی به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی (ص ۵۴).

به نظر مولفان کتاب، رونق ابزارهای مالی اسلامی جدید وقتی اتفاق می‌افتاد که بر اساس نظر اکثریت مراجع تقلید مجاز شمرده شود و لذا نباید از نظرات فقهی غیر مشهور یا نادر استفاده کرد. همچنین در طراحی ابزارهای مالی اسلامی باید به نقاط اشتراک مذاهب اسلامی هم توجه کرد تا در سطح بین‌المللی هم مقبولیت و مشروعیت پیدا کند (ص ۵۸).

ارزیابی فقهی ابزارها، معاملات و قراردادهای مالی جدید

از آنجا که کتاب برای دانشجویان و عموم پژوهشگران است نویسندگان کتاب در دو فصل چهار و پنج که نیمی از کتاب می‌شود سعی کرده‌اند خوانندگان به روش نیمه استدلالی (ارائه دلایل قرآنی و روایی و بحث‌های فقهی) با اصول، مبانی و ضوابط عمومی و اختصاصی فقهی آشنا شوند و ارزیابی فقهی بازارها و ابزارهای مالی را درک کنند.

در فصل چهارم، ضوابط عمومی و اثباتی، از جمله دو اصل صحت و لزوم قراردادهای آمده است و سپس قواعد سلبی ذکر شده است؛ شامل ممنوعیت اکل مال به باطل، ضرر، غرر، ربا و قمار. به باور نویسندگان کتاب در مواجهه با معاملات و قراردادهای مالی، بعد از احراز عرفی صدق معامله اگر به هر دلیل در صحت شرعی آن تردید وجود داشت، تا زمانی که دلیل خاصی بر بطلان معامله پیدا نشده، اصل را بر صحت آن می‌گذاریم و باید بر آن پایبند بود (ص ۹۴). در برخی از این مباحث، نویسندگان کتاب نظریه فقهی خودشان را نیز ارائه کرده‌اند. به عنوان نمونه نظریه‌شان درباره قاعده نفی ضرر آن است که این قاعده به باب معاملات اختصاص ندارد و مقصود از آن نفی ضرر و ضرار در عالم شرع است و عدم امضای ضرر و ضرار توسط شارع بلیغ‌تر از نفی حکم تکلیفی و وضعی آن است (ص ۷۷). ایشان همچنین درباره ربا که مهمترین و شایع‌ترین مسئله در محصولات و ابزارهای مالی است، روشن می‌سازند که فقط ابزارها و محصولات مالی عاری از ربای قرضی، معاملی و جاهلی و قمار را می‌توان در نظام مالی اسلامی به کار گرفت (ص ۸۶-۹۴).

در فصل پنجم، ابتدا ارکان عمومی قراردادهای (مانند طرفین قرارداد و اهلیت آنها، موضوع قرارداد و شرایط آن، و ایجاب و قبول) و طبقه‌بندی آنها (صحیح و باطل، انتفاعی و غیر انتفاعی، اصالتی و وکالتی و فضولی، مطلق و مشروط، لازم و جایز و فسخ و خیارات) مطرح می‌شود (ص ۹۶-۱۰۷) و سپس چهارده قرارداد اسلامی در قالب چهار نوع قرارداد غیرانتفاعی (قرض و وقف)، انتفاعی مبادله‌ای (اجاره، بیع، جعاله، استصناع و صلح)، انتفاعی مشارکتی (شرکت، مضاربه، مزارعه و مساقات) و کمکی (وکالت، ضمانت و حواله) شرح و توضیح داده می‌شود (ص ۱۰۸-۱۴۳).

ارتباط ربا با کارمزد، ضمانت و رهن در وام قرض الحسنه

ماهیت قرارداد قرض، تملیکی، معاوضی و لازم است و اشتراط هر نوع زیاده بر عهده قرض گیرنده، ربا و حرام است؛ اما پرداخت هر نوع زیاده از طرف قرض گیرنده بدون شرط قبلی،

به عنوان هدیه یا چیز دیگر، حلال و گاهی مستحب است. با توجه به ماهیت قرض و ربای قرضی، گرفتن کارمزد برای عملیات اعطای وام قرض الحسنه توسط بانک یا صندوق قرض الحسنه به شرط آنکه به اندازه هزینه‌های تحمیل شده باشد جایز است. همچنین اگر تعداد قرض گیرندگان زیاد باشد قرض دهنده می‌تواند هزینه‌ها را در قالب کارکرد بر کل آنها تقسیم کند. نکته دیگر اینکه شرط تضمین (معرفی ضامن یا کفیل) یا رهن (گرو گذاشتن مالی) هرچند که به مصلحت قرض دهنده است اما ربا و حرام نیست؛ زیرا این شرط نفع مالی برای قرض دهنده ندارد و فقط اصل بدهی را تضمین می‌کند. البته اگر قرض دهنده شرط کند که از شیء به رهن گذاشته استفاده کند اینجا ربا و حرام است (ص ۱۱۰)

جدید نبودن قرارداد استصناع و سفارش کالا

قرارداد نوپیدا و جدیدی نیست و از زمانی که انسان‌ها در زمینه خاص قرارداد استصناع صنعتی مثل آهنگری، مسگری، نجاری و قالی بافی مهارت پیدا کردند این قرارداد شکل گرفته است (ص ۱۲۵). یکی از ویژگی‌های قرارداد استصناع که آن را از بقیه عقود متمایز می‌کند این است که کالای سفارشی (موضوع استصناع) به طور معمول موجود نیست و در آینده ساخته و تحویل داده می‌شود. امروزه از قرارداد استصناع برای سفارش ساخت کالا و احداث پروژه در قالب پنج شکل صورت می‌گیرد

سفارش ساخت یا تکمیل کالا یا طرح نیمه تمام، ۲. سفارش ساخت تعدادی از ۱۰ کالاهای تولیدی تولیدکننده، ۳. سفارش ساخت کالا با ویژگی‌های خاص، ۴. سفارش احداث طرح یا پروژه‌های خاص، ۵. سفارش ساخت برای انجام معامله؛ خرید در صورت ساخت (ص ۱۲۴)

در این کتاب درباره مشروعیت فقهی قرارداد استصناع گفته شده که از نظر غالب فقهای امامیه و اهل سنت مشروع است اما درباره ماهیت آن اختلاف نظر است که در قالب چه قراردادی می‌گنجد: بیع سلف، بیع مستقل، قرارداد مستقل، اجاره، جعاله یا صلح (ص ۱۲۵).

اگر استصناع، قرارداد مستقل یا صلح مطرح شود در آن فقط لازم است ضوابط عمومی قراردادهای رعایت شود (مانند ممنوعیت ضرر و ربا) اما اگر در قالب دیگر قراردادها منظور گردد باید ضوابط اختصاصی این قراردادها نیز لحاظ شوند. کمیته تخصصی فقهی سازمان بورس و اوراق بهادر ایران، قرارداد استصناع را ذیل قرارداد مستقل یا بیع مستقل یا صلح قرار داده است و در سال ۱۳۸۹ ش برای اولین بار در بخش پول و بانکداری قانون برنامه پنجم توسعه وارد قانون شده است (ص ۱۲۶)

قرارداد صلح، پرفایده و کاربرد برای ابزارهای مالی

می‌توان به عنوان قرارداد مستقل به جای سایر در نظام مالی اسلامی از قرارداد صلح قراردادهای مالی یا در کنار آنها استفاده کرد و از این جهت خیلی پرفایده و کاربرد است. یکی از دلایل این موضوع، ماهیت مستقل قرارداد صلح و گستردگی آن فراتر از موارد نزاع و اختلاف است. دلیل دیگر این است که متعلق و موضوع قرارداد صلح باید مالیت داشته و قابل انتقال باشد اما می‌تواند عین، منفعت، دَین و حق باشد و در صلح معوض نیز عوض

می‌تواند یکی از این موارد باشد. بنابراین قرارداد صلح ماهیت انعطاف پذیری دارد و در مواردی که ماهیت قرارداد از جهت قرارداد یا ایقاع بودن، لازم یا جایز بودن یا نوع معامله، مبهم باشد می‌توان از قرارداد صلح بهره جست (ص ۱۲۷). مؤلفان کتاب، ذیل شرح قرارداد صلح، از ماهیت و ارکان قرارداد بیمه نیز بحث کرده و چند ویژگی برای آن بیان کرده‌اند: بیمه قراردادی مستقل، لازم، معاوضی و از نظر حصول اثر، احتمالی است (ص ۱۳۰).

ارزیابی اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی در سطح اقتصاد خرد

آخرین فصل و بحث کتاب، اصول و معیارهای اقتصادی ارزیابی ابزارهای مالی اسلامی در دو سطح اقتصاد خرد و کلان است. این ارزیابی در سطح اقتصاد خرد شامل چهار اصل است:

تطابق با اهداف و انگیزه‌های ناشران و خریداران: سود مادی در اوراق انتفاعی و اهداف خیرخواهانه و اخروی در اوراق غیرانتفاعی.

تطابق با ترجیحات شخصی ناشران و خریداران: مانند ابزارهای کم ریسک و پر ریسک نقدشوندگی: انجام سریع معامله با هزینه اندک و تبدیل دارایی با سرعت و قیمت بازار به پول نقد.

اثربخشی: همسو بودن و اثربخشی ابزارهای مالی برای تحقق اهداف و نیازها و سلايق سرمایه گذاران و ناشران (ص ۱۴۴-۱۴۹)

ارزیابی اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی در سطح اقتصاد کلان
در این کتاب، برای ارزیابی ابزارهای مالی در سطح اقتصاد کلان نیز چهار اصل بیان شده است که دو اصل اول، به اهداف اساسی و اصلی و دو اصل بعدی، به اهداف میانی نظام اقتصاد اسلامی مربوط است:

همسویی با رشد و پیشرفت اقتصادی: یکی از اهداف اصلی نظام اقتصادی اسلام آبادانی و رشد مستمر اقتصادی سرزمین‌های اسلامی و جزو مسئولیت‌های سنگین مسئولان اقتصادی نظام اسلامی است.

همسویی با عدالت اقتصادی: یکی از آموزه‌های اصلی دین اسلام بویژه در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی، عدالت است و در برخی از آیات قرآن نیز جزو اهداف ارسال پیامبران و کتب آسمانی شمرده شده است.

قابلیت تأمین مالی بخش عمومی؛ مانند جبران کسری بودجه دولت برای طرح‌های اقتصادی مختلف با انتشار اوراق بهادار به جای استقراض از بانک مرکزی یا استقراض خارجی که باعث افزایش حجم پول و تورم، خروج ارز و سرمایه و ایجاد وابستگی سیاسی و اقتصادی می‌گردد.

قابلیت برای سیاست پولی؛ مانند جایگزینی اوراق بهادار اسلامی به جای اوراق قرضه برای کنترل و هدایت متغیرهای اساسی اقتصاد کلان از طریق سیاست انقباض یا انبساط پولی (ص ۱۵۰-۱۵۳)

